



روایت همدلی در گفتگو با مناف کسای رییس مجمع خیرین مدرسه ساز استان آذربایجان شرقی:

همیشه گفته‌ام خیر مدرسه‌ساز، خیر صدساله می‌کند

مدرسه‌سازی فقط ساختن چهار دیوار نیست؛ نوعی زنده نگه داشتن یاد عزیزان است. در سال ۱۴۰۴ خیرین استان رقمی معادل ۱۹۳۲ میلیارد تومان تعهد کردند که نیمی از آن نیز محقق شده است. این یعنی هنوز مردم این سرزمین دلشان برای آموزش می‌تپد. هنوز باور دارند ساختن آینده از مدرسه می‌گذرد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی سازمان نوسازی مدارس کشور، مسئول روابط عمومی اداره کل نوسازی مدارس استان آذربایجان شرقی در نشست صمیمانه با مناف کسای رییس مجمع خیرین مدرسه ساز این استان؛ روایتی از همدلی و همراهی را در امر نیک مدرسه سازی به تصویر کشید که در ادامه می‌خوانید:

مدرسه سازی نه تنها یک امر مقدس بلکه ساختن فضایی برای رقم زدن آینده ایران اسلامی است، پای سخنان مردی رفته ایم که خو نیز خیر بوده و زندگی خود را به خیرین مدرسه ساز هدیه کرده است.

مناف کسای، رییس مجمع خیرین مدرسه ساز استان آذربایجان شرقی برایمان می‌گوید:

همیشه خودم را بدهکار لطف و رحمت پروردگار دانسته‌ام. هر بار که به گذشته نگاه می‌کنم، می‌بینم هیچ چیز در زندگی‌ام اتفاقی نبوده و مسیر خدمت، آرام آرام و با نشانه‌هایی روشن برایم باز شده است. مردمی که در طول سال‌ها با آنان کار کرده‌ام، بهترین معلمان من بوده‌اند. همیشه احساس کرده‌ام وظیفه دارم این نعمت را با عمل شایسته پاسخ دهم؛ نه با ادعا و شعار.

من در سال ۱۳۲۸ در مرند به دنیا آمدم؛ شهری که هنوز هم وقتی نامش را می‌شنوم، بوی خاک و صفای مردمش برایم زنده می‌شود. دوران تحصیل و جوانی‌ام در همان جا گذشت. در سال ۱۳۵۲ وارد آموزش و پرورش شدم و این نقطه‌ی آغاز مسیری بود که گمان نمی‌کردم روزی زندگی‌ام را چنین شکل دهد. معلمی برای من تنها یک شغل نبود؛ نوعی هویت بود، نحوه‌ای از زندگی که باور می‌کردم اگر درست انجامش دهم، می‌تواند حتی سرنوشت یک جامعه را دگرگون کند.

پس از انقلاب، سال ۱۳۶۵ به عنوان مدیر مدرسه‌ی نمونه دولتی مرند منصوب شدم. آن روزها، امکانات کم بود، مشکلات زیاد، اما انگیزه‌ها خالص‌تر. کمی بعد معاون اداری و مالی آموزش و پرورش شدم؛ جایگاهی که در ظاهر مدیریتی بود، اما در اصل فرصتی بود برای لمس مستقیم نیازهای مدارس.

در همان دوره بود که فهمیدم چه اندازه حضور خیرین می‌تواند گره‌گشا باشد و اگر بتوانیم اعتماد مردم را به خدمت عمومی جلب کنیم، معجزه در کمبودها رخ می‌دهد. سرآغاز جدی مسیر مدرسه‌سازی‌ام را از خانه‌ی خودمان شروع شد. دو برادرم در دوران دفاع مقدس به شهادت رسیدند. یکی از آنها فرزندی نداشت و پدرم، با همان بزرگواری و دوراندیشی همیشگی‌اش، پیشنهاد کرد زمین خانوادگی‌مان را با ۳ هزار متر مربع ۳۰۰۰؛ سه هزار متر مربع ۳۰۰۰؛ برای ساخت مدرسه اهدا کنیم. همان‌جا بود که حس کردم مدرسه‌سازی فقط ساختن چهار دیوار نیست؛ نوعی زنده نگه داشتن یاد عزیزان است، نوعی ادامه دادن رسالت آنان.

مدرسه در سال ۱۳۷۴ ساخته شد و وقتی روز افتتاح، چهره‌ی دانش‌آموزان را دیدم، انگار معنای درست «وقف» را فهمیدم. این تجربه به من انگیزه داد که دیگران را نیز به این مسیر دعوت کنم؛ اما نه با زبان. همیشه باورم این بود که اگر خودت اول قدم برداری، دعوت اثر دارد. در سال ۱۳۷۸ برای مدیریت آموزش و پرورش شبستر انتخاب شدم. یکی از سخت‌ترین چالش‌هایم در آنجا مسئله‌ی تغییر نام مدارس خیرساز بود. خیرینی که روزی با عشق مدرسه ساخته بودند، بعدها دیده بودند نام مدرسه‌شان تغییر کرده و طبیعی بود که دلگیر شوند.

وقتی دل خیرین برنجد، اعتماد عمومی لطمه می‌بیند و مسیر خیر بسته می‌شود. با پیگیری زیاد توانستیم دوباره نام پیشین مدارس را بازگردانیم و در پروژه‌های جدید، نام شهدا را به درستی حفظ کنیم. همین اقدام ساده، اما درست، باعث شد همان خیرین که دلخور بودند، دوباره قدم پیش بگذارند و حتی مدرسه‌ی تازه‌ای بسازند.

من در این تجربه آموختم که در کار خیر، احترام، امانت‌داری و صداقت مهم‌تر از هر بودجه و اعتبار است. در سال ۱۳۸۶ وارد مجمع خیرین مدرسه‌ساز استان شدم و مسئولیت مدیرعاملی آن را پذیرفتم؛ مجموعه‌ای که سال‌هاست نفسش با نیت پاک مردم می‌تپد. از سال ۱۴۰۳ نیز به عنوان خادم خیرین مدرسه‌ساز استان در حال خدمت هستم. این عنوان برای من صرفاً یک مسئولیت نیست؛ نوعی عهد است. احساس می‌کنم نگاه ده‌ها خیر، خانواده‌ها، روستاها و بچه‌ها روی دوش من قرار دارد؛ بچه‌هایی که شوق درس خواندنشان گاهی از میان دیوارهای کاه‌گلی، بخاری‌های نفتی و کلاس‌های فرسوده فریاد می‌زند.

یکی از پروژه‌های مهم زندگی‌ام، ساخت سه مدرسه در روستاهای لیوار پایین، لیوار بالا و سرخه بود. خانه‌ی شهید حاج محمدحسن کسای ۳۰۰۰؛ با رضایت و همکاری همسر و خانواده‌ی شهید ۳۰۰۰؛ فروخته شد و درآمد آن، همراه با مشارکت اداره کل نوسازی مدارس، تبدیل شد به چهارده کلاس درس. امروز وقتی به این روستاها می‌روم و می‌بینم بچه‌ها در فضایی امن و روشن درس می‌خوانند، حس می‌کنم روح آن شهید دقیقاً همان‌جا حضور دارد؛ میان کودکان، میان دخترهای باز، میان لبخندهای کوچک.

در سال ۱۴۰۴ خیرین استان رقمی معادل ۱۹۳۲ میلیارد تومان تعهد کردند که نیمی از آن نیز محقق شده است. این یعنی هنوز مردم این سرزمین دلشان برای آموزش می‌تپد. هنوز باور دارند ساختن آینده از مدرسه می‌گذرد. و من همیشه گفته‌ام خیر مدرسه‌ساز، خیر صدساله می‌کند.

اما باید نکته‌ای را با تمام تجربه‌های این سال‌ها بگویم: خیرین، سخت‌افزار را می‌سازند؛ اما آینده‌ی کشور را «معلم» می‌سازد. اگر معلم دغدغه‌ی معیشت داشته باشد، اگر امنیت شغلی نداشته باشد، اگر ذوقش در کاغذبازی‌ها و مشکلات روزمره فرسوده شود، بهترین ساختمان‌ها هم کارکرد واقعی خود را از دست می‌دهند.

معلم متعهد، باسواد و آرام دل، حتی اگر زیر چادر درس بدهد، کلاش اثرگذار است. من همیشه از مسئولان خواسته ام که در کنار ساخت مدرسه، به تربیت معلم نیز توجه کنند. اگر به معلم بها بدهیم، مدرسه جان می گیرد. اگر معلم رشد کند، نسل آینده رشد می کند.

در پایان، از همه ی این سال ها یک جمله برایم باقی مانده: جذب خیرین مهم است، اما نگه داشتن اعتماد آنان از آن مهم تر است. اعتماد، سرمایه ای است که اگر حفظ شود، ده ها سال دیگر هم بچه ها در سایه آن درس خواهند خواند. امیدوارم همه ی کسانی که در این مسیر گام برمی دارند؛ از خیرین گرفته تا فرهنگیان و مسئولان؛ در خدمت به نسل آینده موفق باشند و این حرکت، روزه روز پربارتر شود.